

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

تائیدیه اعضای هیات داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیئت داوران نسخه نهایی پایان آقای حمید اسمعیل زاده فیینی تحت عنوان: بررسی جنبه های دراماتیک داستان حضرت یوسف (ع) با نگاهی به تفسیر عتیق نیشابوری (سور آبادی) - پروژه عملی: نگارش فیلمنامه "کنعان" را از نظر فرم و محتوی بررسی نموده و پذیرش آنرا برای تکمیل درجه کارشناسی ارشد تأیید می کنند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضای هیات داوران
	استادیار	دکتر سعید حبیب الله لزگی	۱- استاد راهنما
	دانشیار	دکتر سعید مصطفی مختاباد	۲- استاد مشاور
	استاد	دکتر محمود طاووسی	۳- نماینده تحصیلات تکمیلی
	استادیار	دکتر علی شیخ مهدی	۴- استاد ناظر
	استاد	دکتر محمود طاووسی	۵- استاد ناظر

آیین نامه چاپ پایان نامه (رساله) های دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس

نظر به اینکه چاپ و انتشار پایان نامه (رساله) های تحصیلی دانشجویان دانشگاه تربیت مدرس، مبین بخشی از فعالیتهای علمی - پژوهشی دانشگاه است بنابراین به منظور آگاهی و رعایت حقوق دانشگاه، دانش آموختگان این دانشگاه نسبت به رعایت موارد ذیل متعهد می شوند:

ماده ۱: در صورت اقدام به چاپ پایان نامه (رساله) ی خود، مراتب را قبلاً به طور کتبی به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اطلاع دهد.

ماده ۲: در صفحه سوم کتاب (پس از برگ شناسنامه) عبارت ذیل را چاپ کند:

«کتاب حاضر، حاصل پایان نامه کارشناسی ارشد / رساله دکتری نگارنده در رشته روانشناسی است که در سال ۱۳۸۸ دانشکده هنر و معماری دانشگاه تربیت مدرس به راهنمایی سرکار خانم/جناب آقای دکتر سید حسام حسینی، مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر سید مصطفی حسینی و مشاوره سرکار خانم/جناب آقای دکتر سید حسام حسینی از آن دفاع شده است.»

ماده ۳: به منظور جبران بخشی از هزینه های انتشارات دانشگاه، تعداد یک درصد شمارگان کتاب (در هر نوبت چاپ) را به «دفتر نشر آثار علمی» دانشگاه اهدا کند. دانشگاه می تواند مازاد نیاز خود را به نفع مرکز نشر در معرض فروش قرار دهد.

ماده ۴: در صورت عدم رعایت ماده ۳، ۵۰٪ بهای شمارگان چاپ شده را به عنوان خسارت به دانشگاه تربیت مدرس، تأدیه کند.

ماده ۵: دانشجو تعهد و قبول می کند در صورت خودداری از پرداخت بهای خسارت، دانشگاه می تواند خسارت مذکور را از طریق مراجع قضایی مطالبه و وصول کند؛ به علاوه به دانشگاه حق می دهد به منظور استیفای حقوق خود، از طریق دادگاه، معادل وجه

مذکور در ماده ۴ را از محل توقیف کتابهای عرضه شده نگارنده برای فروش، تامین نماید.

ماده ۶: اینجانب عماد حسینی زاده حسینی دانشجوی رشته روانشناسی مقطع طبیعه نامه تعهد فوق و ضمانت اجرایی آن را قبول کرده، به آن ملتزم می شوم.

نام و نام خانوادگی:

عماد حسینی زاده حسینی

تاریخ و امضا:

۲۶
۱۵
۸۸

آیین‌نامه حق مالکیت مادی و معنوی در مورد نتایج پژوهشهای علمی

دانشگاه تربیت مدرس

مقدمه: با عنایت به سیاست‌های پژوهشی و فناوری دانشگاه در راستای تحقق عدالت و کرامت انسانها که لازمه شکوفایی علمی و فنی است و رعایت حقوق مادی و معنوی دانشگاه و پژوهشگران، لازم است اعضای هیأت علمی، دانشجویان، دانش‌آموختگان و دیگر همکاران طرح، در مورد نتایج پژوهشهای علمی که تحت عناوین پایان‌نامه، رساله و طرحهای تحقیقاتی با هماهنگی دانشگاه انجام شده است، موارد زیر را رعایت نمایند:

ماده ۱- حق نشر و تکثیر پایان‌نامه/ رساله و درآمدهای حاصل از آنها متعلق به دانشگاه می باشد ولی حقوق معنوی پدید آورندگان محفوظ خواهد بود.

ماده ۲- انتشار مقاله یا مقالات مستخرج از پایان‌نامه/ رساله به صورت چاپ در نشریات علمی و یا ارائه در مجامع علمی باید به نام دانشگاه بوده و با تایید استاد راهنمای اصلی، یکی از اساتید راهنما، مشاور و یا دانشجوی مسئول مکاتبات مقاله باشد. ولی مسئولیت علمی مقاله مستخرج از پایان‌نامه و رساله به عهده اساتید راهنما و دانشجو می باشد.

تبصره: در مقالاتی که پس از دانش‌آموختگی بصورت ترکیبی از اطلاعات جدید و نتایج حاصل از پایان‌نامه/ رساله نیز منتشر می‌شود نیز باید نام دانشگاه درج شود.

ماده ۳- انتشار کتاب و یا نرم افزار و یا آثار ویژه حاصل از نتایج پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی کلیه واحدهای دانشگاه اعم از دانشکده ها، مراکز تحقیقاتی، پژوهشکده ها، پارک علم و فناوری و دیگر واحدها باید با مجوز کتبی صادره از معاونت پژوهشی دانشگاه و براساس آئین نامه های مصوب انجام شود.

ماده ۴- ثبت اختراع و تدوین دانش فنی و یا ارائه یافته ها در جشنواره‌های ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی که حاصل نتایج مستخرج از پایان‌نامه/ رساله و تمامی طرحهای تحقیقاتی دانشگاه باید با هماهنگی استاد راهنما یا مجری طرح از طریق معاونت پژوهشی دانشگاه انجام گیرد.

ماده ۵- این آیین‌نامه در ۵ ماده و یک تبصره در تاریخ ۸/۴/۸۷ در شورای پژوهشی و در تاریخ ۲۳/۴/۸۷ در هیأت رئیسه دانشگاه به تایید رسید و در جلسه مورخ ۱۵/۷/۸۷ شورای دانشگاه به تصویب رسیده و از تاریخ تصویب در شورای دانشگاه لازم‌الاجرا است.





دانشکده هنر و معماری

پایان نامه کارشناسی ارشد
ادبیات نمایشی

بررسی جنبه های دراماتیک داستان حضرت یوسف (ع)
با نگاهی به تفسیر عتیق نیشابوری (سورآبادی)

پروژه عملی:

نگارش فیلمنامه "کنعان"

حمید اسمعیل زاده فیینی

استاد راهنما:

دکتر سید حبیب الله لزگی

استاد مشاور:

دکتر سید مصطفی مختاباد

مهرماه ۱۳۸۸

تقدیم به :

پدر بزرگوار ، مادر فداکار و

همسر مهربانم

"بلبل از فیض گل آموخت سخن ورنه نبود
این همه قول و غزل تعبیه در منقارش"
حافظ

سپاس از:

همه معلمان و استادان دوران تحصیلم،

استاد راهنمای گرانمایه ام جناب آقای دکتر سید حبیب ا... لزگی

و استاد مشاور ارجمندم جناب آقای دکتر سید مصطفی مختاباد

چکیده :

قصه‌های موجود در قرآن مجید علاوه بر نکات اخلاقی، معنوی و آموزنده‌ای که دارد حاوی موقعیت‌هایی جذاب و نمایشی است. این قابلیت‌ها از نظر نگارنده فرصتی است تا هنرمندان همواره نظر ویژه‌ای به قصه‌های دینی داشته و مخاطب را با خلق آثاری متفاوت از چشمه معرفتی بی‌کران بهره‌مند سازند.

در این راستا و با معرفی ویژگی‌های دراماتیک یکی از مهمترین قصص قرآن، پایان نامه "بررسی جنبه‌های دراماتیک داستان حضرت یوسف (ع) با نگاهی به تفسیر عتیق نیشابوری (سورآبادی)" در سه فصل با روش تحلیلی تاریخی به نگارش درآمد. در فصل اول نگارنده پس از بررسی ویژگی و دلیل نزول سوره یوسف، نگاهی تطبیقی به خط اصلی داستان داشته و با بررسی سایر منابع مکتوب سعی کرده چهارچوب اصلی قصه را به دست آورد. در فصل دوم ظرفیتهای نمایشی، نقطه شروع، روایت و زاویه دید، ساختار داستان، تضاد شخصیت‌ها، کشمکش، تعلیق، نقطه اوج، گره‌گشایی و شخصیت‌پردازی در قالب سه بخش مورد بررسی قرار گرفت. در فصل سوم عناصر کلیدی داستان با ذکر مثال از منابع تطبیقی مطرح شد و در بخش پیوست‌ها نیز قصه یوسف به روایت عتیق نیشابوری و یوسف در ادبیات منظوم پارسی برای استفاده پژوهشگران و دانشجویان ارجمند آمده است.

واژگان کلیدی:

قرآن، داستان یوسف، عتیق نیشابوری، سورآبادی.

فهرست

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۱
فصل اول: بررسی تطبیقی داستان حضرت یوسف.....	۳
۱- داستان حضرت یوسف، احسن القصص.....	۴
۲- دلیل نزول سوره یوسف.....	۸
۳- قصه یوسف با برادران.....	۱۱
۴- فروختن یوسف به بندگی.....	۱۶
۵- خرید یوسف توسط عزیز مصر.....	۲۰
۶- داستان یوسف و زلیخا.....	۲۲
۶-۱- نسخ یوسف و زلیخا.....	۲۹
۷- وزارت یوسف و عزیز شدن او.....	۳۴
۸- دیدار یوسف با برادران.....	۳۸
فصل دوم: ساختار و قابلیت‌های نمایشی.....	۴۱
۱- ظرفیت‌های نمایشی داستان یوسف.....	۴۲
۱-۱- قصه یوسف یا داستان یوسف.....	۴۲
۱-۲- شیوه انتقال مفاهیم.....	۴۴
۱-۳- روایت و زاویه دید در داستان یوسف.....	۴۵
۱-۴- طرح قصه یوسف.....	۴۶
۱-۵- توصیف در داستان یوسف.....	۴۹
۲- ساختار نمایشی قصه یوسف.....	۵۳
۲-۱- تم، مضمون یا درون مایه.....	۵۵
۲-۲- موضوع.....	۵۶
۲-۳- طرح داستانی، افسانه مضمون.....	۵۶
۲-۴- قالب.....	۵۷
۲-۵- تعریف.....	۵۸
۲-۶- نقطه شروع.....	۵۹
۲-۷- شخصیت و شخصیت پردازی.....	۶۰
۲-۸- تضاد.....	۶۴
۲-۹- کشمکش.....	۶۵
۲-۱۰- گره افکنی.....	۶۶
۲-۱۱- بحران.....	۶۶

۶۷.....	۱۲-۲- تعلیق.....
۷۰.....	۱۳-۲- گفتگو.....
۷۱.....	۱۴-۲- نقطه اوج.....
۷۲.....	۱۵-۲- گرہ گشایی.....
۷۳.....	۱۶-۲- فرود.....
۷۵.....	۳- شخصیت پردازی در داستان یوسف.....
۷۶.....	۱-۳- انواع شخصیت در داستان یوسف.....
۸۳.....	۲-۳- ویژگی های شخصیت در داستان یوسف.....
۸۴.....	۳- فصل سوم: عناصر کلیدی در داستان یوسف.....
۸۵.....	۱- خواب.....
۹۰.....	۲- پیراهن.....
۹۴.....	۳- چاه.....
۹۷.....	۴- اعداد و ارقام.....
۱۰۳.....	نتیجه گیری.....
۱۰۴.....	منابع.....
۱۰۸.....	پروژه عملی: فیلمنامه "کنعان".....
۱۵۸.....	پیوست ها.....
۱۵۹.....	الف: قصه حضرت یوسف (ع) "از تفسیر عتیق نیشابوری (سورآبادی)".....
۲۱۷.....	ب: یوسف در ادبیات منظوم پارسی.....
۲۶۷.....	منابع پیوست ها.....
۲۷۴.....	چکیده انگلیسی.....

مقدمه :

در فرهنگ های مختلف قصه ها از افسانه ها و اسطوره ها نشأت گرفته و زمینه خلق آثار نمایشی را فراهم می کنند. با روی آوردن آثار نمایشی به اساطیر، افسانه ها و قصه های کهن استقبال مخاطبان نیز از این آثار بیشتر و اصالتی وصف ناپذیر یافته اند.

علاوه بر منابع مکتوب، کتب مقدس و مذهبی نیز که با هدف هدایت انسان آمده است، مورد توجه درام نویسان قرار گرفته اند. نویسندگان ایرانی نیز نظر ویژه ای را به داستان های قرآنی معطوف داشته اند و اینکه آیا داستانهای قرآنی دارای ظرفیت نمایشی هستند و عناصر نمایشی موجود در آنها در چه حدی است مد نظر قرار گرفته است. در این راستا توانایی بالقوه داستان حضرت یوسف برای تبدیل شدن به اثری نمایشی که قابلیت ارتباطی عمیق با مخاطب را داشته باشد در ذهن نگارنده شکل گرفت و در پی آن شدم تا در این مسیر گامی بردارم، تا شاید هنرمندی متعهد با استفاده از آن بتواند اثری خلق کند که مخاطب را با مفاهیم ارزشمند و آموزنده یکی از زیباترین داستانهای قرآن آشنا سازد.

به این ترتیب نخست در پی تفسیری متفاوت از تفاسیر قرآن برآمدم که در نهایت با توجه به نثر خاص ، شیوه نمایشی روایت و الگوی داستان نویسی متفاوت، تفسیر عتیق نیشابوری (سورآبادی) را برگزیدم. این تفسیر پس از «ترجمه تفسیر طبری» و «تفسیر اسفراینی» سومین تفسیر جامع قرآن مجید به زبان فارسی است که در سال ۵۷۴ هجری قمری توسط «ابوبکر عتیق ابن محمد نیشابوری معروف به سورآبادی» به نگارش در آمد. تفسیر عتیق نیشابوری متکی است به عمده ترین دستاوردهای علم تفسیر و تاریخ تا زمان خودش، از ابن عباس گرفته تا ابن اسحاق و طبری و زبان او متکی به زبانی است که با اولین ترجمه ها از خدای نامه های پهلوی و عربی و از قرآن مجید پا گرفت و به دست ابوالموید بلخی ها، بلعمی ها و رودکی ها و ناصر خسروها به زبانی ورزیده و استوار تبدیل شد. پس از مطالعه و تحقیق اولیه با روش تحلیلی تاریخی، در پی نیاز به وجود چهارچوبی منسجم از داستان حضرت یوسف و لزوم مقایسه تطبیقی آن با روایات مکتوب دیگر، فصل اول در

ذهنم شکل گرفت تا به این وسیله مخاطب بتواند ارتباطی سنجیده و مفید با موضوع برقرار کند. لزوم شناخت ساختار و محتوای داستان حضرت یوسف با رویکرد خوانش نمایشی، فصل دوم را شکل داد که در نهایت وجود یا عدم وجود قابلیت نمایشی آن را به اثبات می‌رساند. با پیشرفت پایان نامه و رسیدن به عناصر کلیدی که در داستان نقاط عطفی را شکل داده و تکرار می‌شدند، نگارنده بر آن شد تا در قالب فصل سوم این عناصر را مورد بررسی قرار دهد.

در این تحقیق نگارنده در پی پاسخ به سوالات زیر است:

آیا داستان حضرت یوسف از تفسیر عتیق نیشابوری دارای جنبه‌های نمایشی می‌باشد؟ آیا می‌توان در داستان حضرت یوسف الگوی دراماتیکی یافت؟ آیا روایت داستان حضرت یوسف در تفسیر عتیق نیشابوری دارای ایجاز و زبانی ساده و همه‌فهم است؟

فرض بر آن است که: ۱. داستان حضرت یوسف دارای قابلیت‌های نمایشی است و امکان تبدیل آن به یک اثر نمایشی وجود دارد. ۲. در داستان حضرت یوسف از تفسیر عتیق نیشابوری الگوی دراماتیکی قابل مشاهده است. ۳. تفسیر عتیق نیشابوری از داستان یوسف به زبانی ساده و قابل فهم و بدون هیچ حاشیه پردازی و مکث و توقفی بیان شده است و ایجاز در روایت آن قابل توجه است. لازم به ذکر است که رساله‌ها و پایان نامه‌هایی با این موضوع توسط سایر دانشجویان و اساتید از جمله خلیل پروینی، محمد علی خبری و شکوفه ماسوری به نگارش در آمده که نگارنده نیز آنها را مورد مطالعه قرار داده و از دستاوردهای آن بهره‌مند شده است.

فصل اول:

بررسی تطبیقی داستان حضرت یوسف

۱- داستان حضرت یوسف، احسن القصص

"چون چشم جهان بین آدم را گشادند و فرزندانش را بر او عرضه داشتند، انبیاء با شوکت و تاج شاهی در برابرش صف در صف ایستادند و او به یک یک آنها نظر افکند. در آن میان چشمش به یوسف افتاد که چون خورشید تابان میان جمع می‌درخشد، حسنش از اندازه بیرون و فرقی از تاج شاهی و بزرگواری آراسته بود. جاه و جلالش آدم را به شگفت آورد و زیر لب گفت که:

یارب این درخت از گلشن کیست تماشاگاه چشم روشن کیست

خطاب رسید که فرزند یعقوب است و در سرزمین مصر بر تخت پادشاهی می‌نشیند."

(خانلری، ۱۳۸۴، ص ۱۶۷)

خداوند در قرآن کریم داستان یوسف را «احسن القصص» نامیده است. در اغلب متون تفسیری و قصص الانبیا فصلی در بیان علت این نامگذاری آمده است که نظرات

نویسندگان این متون گاه شبیه به هم و گاه متفاوت از یکدیگر است. در تفسیر
سورآبادی در این مورد آمده است:

"این قصه ذکر پیغامبران و بسامانان است و ذکر فریشتگان و پریان و آدمیان و
چهارپایان و مرغان و سیر پادشاهان و آداب بندگان و احوال زندانیان و فضل عالمان و
نقص جاهلان و مکر و حیلت زنان و شیفتگی عاشقان و عفت جوانمردان و ناله
محنت‌زدگان و تلون احوال دوستان در فرقت و وصلت و عز و ذل و غنا و فقر و اندوه و
شادی و تهمت و بیزاری و امیری و اسیری. این همه نکته‌ها در این قصه به جای آید.
و در این قصه، علم توحید و علم سر و علم فقه و علم تعبیر خواب و علم فراست و
علم معاشرت و سیاست و تدبیر معیشت می درآید. و مدار این قصه بر نیکویی است:
یعقوب صبر نیکو کرد، از برادران تضرع نیکو، از یوسف عفو نیکو و این قصه نیکوگویی،
وا نیکوخویی، از نیکورویی. در این قصه چهل عبرت است که مجموع آن در هیچ
قصه‌ای به جای نیست. برای این وجوه راست که خدای این قصه را «احسن القصص»
می خواند." (عتیق نیشابوری، ۱۳۸۰، صص ۷۵ و ۷۴)

همچنین علی بن علی نجار شوشتری در ذکر تفسیر سوره یوسف معنایی نزدیک
به روایت سورآبادی دارد او می گوید: "این که سوره یوسف را «احسن القصص»
می نامند بدین خاطر است که: متضمن ذکر انبیاء و ملائکه و صلحا و شیاطین جن و
انس و انعام و طیور و سیرت ملوک و آداب ممالیک و طریقه تاجران و ذکر عاقلان و
سفیهان و اختلاف احوال انسان... و ذکر دلائل توحید و احکام فقر و تعبیر خواب و
آداب سیاست و سلوک و تدبیر معیشت." (نجار شوشتری، ۱۳۷۳، ص ۴)

در اینکه قصه یوسف « احسن القصص » می‌باشد ذکر این نکته حایز اهمیت است که خداوند می‌فرماید ای محمد (ص) ما بیان می‌فرماییم بر تو این قطعه را به بهترین بیان کردنی.

همچنین در روایات دیگری آمده است که این سوره "به جهت تسلی پیغمبر (ص) بود در مصیبت حسنین علیها السلام به این مناسبت به احسن القصص موصوف گردید." (نجار شوشتری، ۱۳۷۳، ص ۲۵)

توضیح این نکته ضروری است که از نگاه متقدمان و متأخران همگی اتفاق قول دارند که این قصه، احسن القصص است چرا که خوش‌ترین قصه‌ها و نیکوترین حکایات و نغزترین روایات را در خود دارد و در آن از عاشق و معشوق به خوبی سخن گفته شده است. "به فرجام شاید نیکوترین وصف، سخن روزبهان بقلی باشد که می‌گوید قصه عشق، احسن القصص است." (ستاری، ۱۳۷۳، ص ۵)

همچنین از نگاه عین القضاة همدانی چنین بیان شده است:

"ای دوست دانی که چرا قصه یوسف «احسن القصص» بود؟ زیرا که اول سوره اشارت است به بدایت راه خدای تعالی و آخر سوره اشارت است به نهایت راه خدای تعالی....

پنداری هرگز سوره یوسف شنیده یا خوانده‌یی؟ هیهات! احسن القصص! ترا بسیاری افسانه‌های فارسی خوشتر از این قصه آید، اگر انصاف بدهی، باش تا به راه خدا بینا گردی و تا راه نروی، بینا نگردی. آنکه بدانی که چرا قصه یوسف «احسن القصص» آمد. ای دوست! احسن القصص، قصه «یحبههم و یحبونه» است. از جلال ازل بشنو که احسن القصص است قصه عشق. چرا چنین گفت؟ زیرا که در قصه یوسف عشق بازی هست." (ستاری، ۱۳۷۳، ص ۶)

همچنین در تفسیر المیزان علامه طباطبایی در شرح این نکته آورده‌اند که: "راغب در مفردات می‌گوید: کلمه «قص» به معنای دنباله‌جای پا را گرفتن و رفتن است. و این کلمه به معنای خود اثر هم هست. و قصص به معنای اخبار تتبع شده نیز آمده است. پس قصص به معنای قصه و احسن القصص، بهترین قصه و حدیث است و چه بسا بعضی گفته باشند که کلمه نامبرده مصدر به معنای اختصاص (قصه سرایی) است و هر کدام باشد صحیح است. چه اگر به معنای اسم مصدر (خود داستان) باشد، داستان یوسف بهترین داستان است زیرا اخلاص توحید او را حکایت نموده و ولایت خدای سبحان را نسبت به بنده‌اش مجسم می‌سازد، که چگونه او را در راه محبت تر و خشک نموده، از حضيض ذلت به اوج عزت کشانید، و دست او را گرفته از ته چاه اسارت و طناب بردگی و رقیب و زندان عذاب و شکنجه بالای تخت سلطنت بیاورد، و اگر به معنای مصدر (قصه سرایی) باشد، باز هم سرآیدن قصه یوسف، به آن طریقی که قرآن بیان کرده که عقیف‌تر و پوشیده‌تر از آن، ممکن نیست کسی چنین داستانی را بسراید." (طباطبایی، ۱۳۶۳، ص ۱۲۰)

در کشف الاسرار میبیدی هم دلیل خواننده شدن و «احسن القصص» گفتن سوره یوسف را به شرح زیر آورده است:

"و گفته‌اند احسن القصص در این آیه یوسف است و آن را احسن القصص گفت از بهر آن که مشتمل است این قصه بر ذکر مالک و مملوک و عاشق و معشوق و حاسد و محسود و شاهد و مشهود و ذکر حبس و اطلاق و سجن و خلاص و خصب و جذب و نیز در آن ذکر انبیاء است و صالحان و ملائک و شیاطین و سیر ملوک و ممالیک و تجار و علما و جمال و صفت مردان و زنان و مکر و حیل ایشان و نیز در آن ذکر

توحید است و عفت و ستر و تعبیر خواب و سیاست و معاشرت و تدبیر معاش و نیز قصه ایست که از بدایت تابنهایت، روزگار دراز برآمد و مدت آن برکشید، از عهد رویای یوسف تا رسیدن پدر و برادران به وی هشتاد سال. " (المییدی، ۱۳۵۷، ص ۴)

اگر نیکو به وجه تسمیه این داستان بنگریم پی می‌بریم که مراد تمام این بزرگان چه به لحاظ لغوی و چه دیدگاه عرفانی و یا ادبی از «احسن القصص» یکی است و آن اینکه قصه یوسف به نحوی درهم تنیده شده است که در نیکوترین روایت، با نیکوترین شخصیت محوری داستان و با زاویه دیدی مختص و منحصر، این داستان با زیبایی و درهم تنیدگی خاصش به بیان همه آنچه لازمه یک اثر خلاقانه می باشد، دست یافته است و به همین جهت آن را «احسن القصص» نامیده‌اند.

۲- دلیل نزول سوره یوسف

سوره‌های قرآن کریم هر یک به فراخور موقعیت، زمان و کارکرد خاصشان و در شرایط اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مربوط به صدر اسلام بر رسول گرامی اسلام (ص) نازل می‌شدند. گاهی امید، گاهی تبشیر و انداز، گاهی پاداش و گاهی دعوت به صبر و پایداری و گاهی هم وصف جهانی ماورای ذهن بشری و توصیفات از بهشت و جهنم و نعمت‌ها و عقوبت آن و گاهی هم بیان داستانی شیرین و پندآموز در میان سوره‌ها می‌توان اشاره کرد. در این میان شأن نزول سوره یوسف نیز جایگاه خاص خودش را

دارد. ما سعی خواهیم کرد که به اختصار به شرح آن بپردازیم. سوره یوسف از سوره‌های مکی قرآن است.

در مورد شأن نزول سوره یوسف اختلاف نظرهایی وجود دارد چنانکه روایت کرده‌اند که:

"روزی عمر بن الخطاب رضی الله عنه نشسته بود بر در خانه خویش. هفت تن از جهودان بیامدند و پیش او بنشستند و مناظره کردند در دین خود و آن مسلمانی و سخن می‌گفتند تا کار به کتاب رسید. جهودان گفتند که کتاب ما فاضلتر و تمامتر و بزرگوارتر و راستتر. عمر رضی الله عنه گفت که کتاب ما فاضلتر و تمامتر. جهودان گفتند: هیچ قصه تمامتر از قصه یوسف نیست و در کتاب شما نیست. عمر غمناک شد و پیش رسول آمد و آنچه میانشان رفته بود بگفت. رسول نیز غمناک شد. جبرئیل آمد و این صورت بیاورد." (نیشابوری، ۱۳۸۶، ص ۸۴)

همچنین در تفسیر این سوره امام محمد غزالی آورده است که:

"نضر بن حارث که از دشمنان ثروتمند اسلام بود به ایران مسافرتها کرده بود و قصه عجمها را می‌دانست و از اخبار رستم و اسفندیار و ملوک فارس باخبر بود و چون به مکه می‌آمد آن قصه‌ها را بر مردم می‌خواند و قریشیان را گرد خود جمع می‌کرد و چون قصه را قرائت می‌کرد می‌گفت «انا احسن حدیثا ام محمد فیقولون لابل انت احسن حدیث واحسن قصه من محمد» این چنین بود که خداوند سوره یوسف را نازل کرد." (غزالی، چاپ سنگی، صص ۱۱ و ۱۲)

به همین نحو نیز آورده‌اند که:

"چون رسول هجرت کرد و به مدینه آمد مهاجرین همه اسباب روزگار مکه بگذاشته بودند و خشنودی خدای و رسول را هجرت کرده بودند. دل ایشان گرفته بود. با یکدیگر گفتند: کاشکی ما را حدیثی بودی از قرآن تا تمامی خواندیم تا دل ما خوش بودی. به نزدیک رسول آمدند علیه السلام و او را بگفتند. جبریل علیه السلام بیامد و این سوره بیاورد و بعضی گفته‌اند سبب نزول این سوره آن بود که رسول علیه السلام عایشه را به حربی با خویشتن برده بود. عایشه را دل تنگ شده بود. پیغمبر را گفت: چه بودی اگر خدای تعالی بر تو چیزی فرستادی از معنی قرآن تا می‌خواندمی تا دل من تنگ نشدی و راه بدان بگذاشتمی. جبریل بیامد و این سوره بیاورد." (نیشابوری، ۱۳۸۶، ص ۸۵)

همچنین اهل تسنن و اهل تشیع بر این امر متفق‌القول می‌باشند که این سوره بدین دلیل نیز نازل شده است که:

"این سوره برای تسلیت خاطر رسول اکرم نازل شده چون هنگامی که پیغمبر اسلام به مسموم شدن حضرت مجتبی و شهادت حضرت سیدالشهدا آگاهی یافت آزرده خاطر گشت لذا قصه مفارقت یعقوب و شکنجه شدن یوسف و زندانی گردیدن وی و صبر و شکیبایی آنان نازل شد تا حضرتش صابر و بردبار باشد." (جعفر زاهدی، دانشگاه مشهد، ص ۹)

دیگر آنکه در بیان شأن نزول این سوره گفته‌اند که یهودیان بر مسلمانان تفاخر می‌نمودند که در کتاب تورات داستانهای زیادی از پیامبران است و پیامبر شما محمد (ص) در قرآن نتوانسته داستان و حکایتی را بیاورند و از قصه‌های کهن که مربوط به دوران گذشته است سخنی بگویند. لذا گفته‌اند که: "مردم از سلمان خواستند تا تورات